منعه ۱ یو میرم الحرار ۲۳۴۲ (۱۵۵) اوت ۱۹۲۳	اول املاح انضادی	سانی اول ۲۳ شنبه ۲۳ اسد ۱۳۰۲ م
این روز ندامه بدون تقاضای کنیمی بسرای کی ارسال نمیشود و جه اشتر الله : سالیآنه ششیاهه سه ماهه داخله ۱۰۰ قران ۵۰ قران ۳۰ قران		صاحب امتیاز و مدیر مسئول ؛ داور ، قیمت اعــــــلانات صفحه اول سطری ۹ قران صفحه موم و سوم ۹
خارجه بهلاوه اجرت پست فرمن کاك شیاره ۵ شاهی است		صفحه چهارم محل اداره : طهر ان خپابان لاله زار ــ کوچه اتحادیه

إقاى وثبس الوزراء لوجه كنند ا

این معارف را خراب کنید اقای مدیر از شما متشکرمکه ازیدو کاسپس مرد ازاد پس از بست د ر ازوم أصلاح اقتصادى روزنامه شما راجع بسمارف همیشه مقالاتی داشته و نقربیا در هرشمارد یکی آز مسائل ممارقی را ممارح کرده اید من هر روز إين مقاله هارايا دقت خواندم. هر روز متلفار بودم در ميان اين سطوري که با کال مقالت - و اکر آجاز، بدهیدیکویم-با كال ملاجئله كاري ا ـــ فوشته شده حقيقت بهی پرده وا پېېنم : متاسفانه قر بب شش ماه است واجع پیمارف چېز می تویدید و كأيتكال يطور ساده ممارف قبل را كثريح فكرم الدين المرادة المحالي المسالية المحالية محالية المحالية محالية محالية مح محمد بالمحمد مرجعه م اتا مديق من و من من مداريد. ممارفسد و المي الله جانبي الأبي جباب بويند -ولمد تا ان درجه ملاحظه 1 این دادکر اس شوه. المسلو، كرد ١ - الأخر الم ی از از ابغان مذر شبه معروع دارلد خود شما جرا از پان حقيقت خود مارى ويكنهم ا جرا یاه: روز شاف و روشن خمچو في الدرف الدي الويسيد مسارف ما مردان **احت 8**ر مدینه می و موند و این می و موند و این ا 🔬 عصر است ۲ لاید در این اب که شکی تدارید - پس جرا لباید کهت ۲ جرا تيايد أسامش وا يكلى خراب كرد ... و از فو ساخت ؟ شنا اروبا رفته ما هم. لا حقله کار و فرسو شده اید ۲ هوای این تملک آصول زندگانی آدم یمنی زندگانی آرویا را از خاطر شما عو کرده ا است 🕺 خلاصه ب دليمنازمعاهدة اوضاعهمارف

فعوره بي أخراق خون شده .. مبدالم حرف حاص من یك عده از رفقای شما وا که در وزارت منارف هستند ازشمأ خواهدرنجاند.

یزور مردم این سر زمین را آدم کرد ـ منهم مي ڪويم يا کنتن حقيقت کلخ ڀايد مطالب رأ ذر سنامعه ملت تجيب هر طور هـت جا داد ۰ واهمه المحنيد ا اكر يا سطلاح شما یک دوجین تالایق پاچهره عبوس از این مقالات اظهار کله کنند .. در عو ض عده زیادی هنم از شما متشکر خواهند شد .

حال پروم سر ،طلب : این وزارت خانه و این مدارس وا باید کوید وخراب کرد 🗕 ان وقت یک وزارتخانه و مدارس حسابي ساحت و بمدردم عدان داد ممارف الم مراج المي كتم عصبائي هم فشده ام. می از مدت ها فکر پالا خره این عقیده دو منوسوخ بدا كرده غير آز اين جا وا ابست عابد ابن بك سال كه ممارف رائرك فته وارد سعفه سياست شده ايد خرايي های وزارت مبارف را غراءوشکره، اید اكر مل من جال ميداشتيد كاقدرى در این خرابی کامل و غور کنید خیلی زو د معقد می شد یه که هر قدر در لدیر این وضعیت شهل انکاری شود کا ر مدکل ال ميعود و الوقت در العليل ابن مدارف و اللاحاساسي أن خيرم كن ميشديد ا المنابع است که از شدر کا دیل این علكت كسيت يسارف بي علاقه الد(ازهمين جا شما این مسئله را می توا تبد استنباط کنید که الان عبهل زوز است وزیر ممارف را به خارج - برای بدیرائی قابان علماء فر ستاده اند - و الري از ايشان يبدا لیست 1 مکر تمی عد یک افر دیکر از وزرا وا فرستاد ۲۹۱۲ برای اینکه زیاد یاکم از هر وزیری کاری میخو استندولی از وزارت معاوف نوقع كار الداعلندوزيرش طرف احلياج لبودم كمقنديرو مهمان دارشوا يكنفرقائم مقام ايشان هماكن يخواهد فمألبت يعترج بدهد و چون البته اختياراکی تدارد تمی کواند کاری پکند که اساسی پانند) المر حال من احبازه می خواهم که علاقه خودم را در ضمن تشريح او ضاع قملي يممارف ثايت كنم o de la pro-الم الم الم اروپا به دول مشرق بول قرض میداد تد و حال آلکه در آنوقت سرمایه زیاد بود و آنزیل پول فقط شه در مسد امروز دولت فرالسه و الكليس با سدى شعى ربح يول قرض می کناد . از این رو مطوم میشود که حالیه سرمایه کم است ویرا بطور کلی کنزیل پول پسته به آسی و زیادی سرمایه

است ۱۰ اگر سرمایه فراوان "باشد مساحیش به لنزيل كم راض ميدود و جنالهيه المكس اس مایه کم باشد ریج زیاد می خواهد . در سورای که امروز سرمایه کمتر از ایل از جنك باشد بديمي است براى دول مشرق زمین سمب از خواهد بود کم از سرمایه داران اروبا قرض کنند . ا غیر از علت فوق یك دلیل دیگر نېز باعث شده که سرمایه داران اروپا اطمینسان يدول مشرق زمين تدارند . ممالك مشرق مجاور با روسيه إند • روسيه كمام أساعي خودوا ذر ليلبغ براضد سرمايه صرف ميكند. آيا همهن مسئله براى أيجاد عدم اطمينان كانى ليست ٢. يك منال ممال مراكين واست کا بحال پرای شما کفتم رویتن خواهد کرد. وقت المقبار داء آخن از اسلامیول اسلامی المقبر مال مر حالت سلح معرف دقایت بزرکی بین فرانسه و بش و المان و دوسیه در عشانی وجود داشت - در آن زمان نازم ا امان م طواست در سیاست عالم یك عامل بزرك شوه درمقام تحکيم مودت با عثماني پر ايد بنا پر اين عتمالی مملکتی پود که چند رقبب پزراد م خواستند اورا يطرف خود جلب كنندوقاءدكآ شرايط المان واجع به امتياز وإه أعن م بابستي حيسلي يراي عثماني مساعد باشد . ممذلك يبينيد با او چه ممامله ع كردند. رای کدیدن خط اهن دولت عثمانی زمين به المان من داد · دولت عثما لن بشا يود إز المان هايراي ساخلن واه يول،قرض بکیرہ و طوض این کہ انزبان پدھدیتر لیپ ذيل ممل كند : ا حوض منفعت دادن - ألمان قراركذاشته يود كه هر كبلومتر راء أهن فلان مبلغ در سال مايدى داشقه ياشدواكر مايدات أز بن مبران كمتر بود دولت عثماني دستي تفاوت عمل رأ از جہب خود بیردازد 🗧 🖉 👘

عتياني برأى الكارمة ١٢٩٦ كرودي مارك طلا أسهام جاب مرد بانکی کے واسطہ مماملہ ہود با نداز: حق الزحة دريافت كرد كه فقسط از مينسخ مذکور ۱۹۰۰ کروز بخزانهٔ عثیالی واردشد . . پس دروسله اول ۱۹۹ کرورخیالسی به بانك الماني وسيد . ازطرف دیگر در موقع اقویم 🗕 مخارج م کَلومتر واء اهن وا دویست و سی هزار مارك طلا پر أورد كردند ... ابن پر آورد الجوق المادم يود 🔹 يعنى ابن الدازم خرج تمودن اكر دريعني قسمت هاى كوهستاني ابن مهلم خر خ لازم بود در خلکه هُم کيلو متر راء بيش أز مد و بيست و بنج هزار ما له طلا مخارع إن قمي داشت ا ابن هم یک نفع بزرکی بود کے،عابد 🕴 البالها من شد . من الم

سرای کسی ارسال شیشود ash a ۰ ۳۰ قران ران

لو اخانه نظامی حاضر است

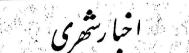
که اجزاء ممداد به آریاك ادارات دولتی اعم از اعکری و کدوری را بطور گنترات و التزام در مدت قلیل از مسمو آمیت افیون خلاص آیاید I. - Y - 19 I - 19 - 19 - 19 - 19 - 19 - 19

بروزوبا

وزارت امور خارجه بموجباین اعلان خاطر کلبه مسافرین بین الهرین و زوار عتبات عاليات را مسهوق مبسازه که چون بنا به اطلا عات واسله اخيرا مرض وبا د ر بين النهرين يروز ورو باشتداد كذارده است يرأى منع شبوع أمرض بأ موافقت مجلس حفظ الصحه دولق قدرشده أست كه عجالتاً بمسافرين كه ،بخواهد ازايران به بين اللهر بن عزيمت المايند لذكره داده الشدة و از حركت آلها جلو كوى بعمل آيد و همچنين بدون ارائه اصدبق كالمبيح عايه ضد وبا يكسى اجازه ورود بأبران داده محود مجمود المرد اعلان ١٣٨ .

كرفلسار است كه يا ين قيبل أمور تطواهد يرماحت ويراد المراجع المحاد والعديد المحا المان كم بواسطه كزل قيمتمارلكادر به قرش دادن تیت ا أيطا لها هم أز مملكت ما خلق دور و در ایران مناغی تدارد این دول را ک از مورت ممالك سنامه خارج كر ديد پاتى م، ماند امريكا و انكليس "

امريكا بواسطه يبد مدافت وةداشتن منافع اقتصادى در ايران مايل بهمرش دادن A CARLER CONTRACTOR انكاستان هم كه همسايه مااستونظريات سیاسی در معلکت ما دارد. یس جه باید کرد ه الما واه ابن است که واه آهن ما يوميله بك شركت يبن المللم ساختهشود . بِجْه شكل و بِجه ارايب ؟ - بِعد در اين باب صحبت خواهبم داشت .



ورود خجج اسلام

سوم منفعت که المان برای خودمنظور داشت از همان قراری بودکه راجم به منفعت هر، کیلو ملر واه کردا شته بودند : دولت عثمانی می بابستی ایرای هر کیلومتر ارا اهن سألى بالزده هزار ويالصد مارك طلا متساقم نامین یکند منفعت چهارمی که به المان میرسید ابن يود كه خِنائجه عوايد راه اهن از ده هزار مارك در هر. كيلومتر فجاكوژ كرد مقداراشاق سه خدس به دولت عثمانی و دو خدس به كميائي راء أهن داده ميشد • 🖉 این بود شرایط قرضه عثسانی . اگر ملكت ديكرى قرض مبخواست يقيدنا حان اقدازه سر ماية را با تعاف ابن تحميسلات عكن يود يدست آورد • ايلها همه يراى اینبودکه عنیانی بك دولت مشرق زمین بود باو اعتيار نعى كردند . الحيراً هم عثماني يك معاملة ديكركرده : امتياز جستن وا بأم يكالي ها داده - جون

اصروز الحم اعليار مالى تداود ابز با أو شرايط سخلي كردة الله: 🖗 🕬 🐘

عثما ای وسایل مالی برای دادن وثبقه

ا آقابان حجج اسلام بطرف حضرت مصومه خرکت کردند الم الم مراجعة به برلن الله از قرار اطلاع اخیری که وسیدماست اقاى آقى زاده به برلن مراجعت كردند ورود يامهران اقاى احتشام السلطنه سفير كبير سابق اسلامول ديروز وارد طهران شدند

مافرت به قم آقاى حجةالاسلامأة شبخ محمد أبين خوثى روز کذشته برای ملاقات و مذا سم-رات

اقايان حجج أسلام دوشنيه واردسلطان اياد عراق شدند

قداشقه أز منابع تروت خود وثبقه داده است • از مُ طرف راء اهن يُعْرِض بَيْسَتْ كيلومتر نمسام منايسح ثروت را باختيارساحب امتياز وأكبذار كرده - اكر نظري به تقشه بمندازيد خواهيد ديدكه المام معادن لفت ارض روم جزو ابن امتياز است. این انتہاز را امریکا کرفت زیرا کہ امريكا يكى أز ذو ل معظمه است و إحريه يزرى يراى دفاع حقوق إلياع خود دارد. اين بود حقيقت بي پرده راء آهن بكثيم - فتط سرمايه داراندول معظمه بيما يول قرش خواهندداد ، ايندول معظمه كدامند 1 روسه که سرمایهٔ ادارد م ا فرالسه باندازه ای در در خله خود

از مسائل اقتصادی مكنوب مهم كفتم كه سر مايه داران اروبا و امريكا يقول ووهده دول مشرق زمبن اعتماد تدارند: قیل از خِنْك بِدون وثبته سرمایهداران

ڪي ان عجزة هم 4 پشت اغلب ميز هاي مَعَارف لشملة الد شب هاى ونجشنيه - 6 مو قمع ديدن شمأ است شمايد پيايندو از محبت هاى من كله كنند ولى شمارا به خدا بكذاريد سطهلت الوشته شود ا مناقع الحموسي خداى منافع عمومىكرددامكر تمى يتنهددر اين علمت خرف يا مثالت يكوش كس فروتش رود ؟ پهمان دلېل که شما مي تويسېدوايد

۲ ـ 7قای دکھر احیاعالدوله دشیخ، . برأى رياست كمميون أعاله و آقاى د عر مركض خان عاسب وآقاى دكتر ابوالتاسم خان وستكلد ملشهم إراى اكثريت إلمتخاب LAR . The second second

y minin

الس آ برأى الدويق ويبدرفت اوسمه خبربه شبر و خورشبد سرخ علامت انرا در قیش اتاله چاپ کرده و بامغای قابب رژیس اول موسسه شیر و خورشیسد سرخ اقاى دكتر إمير أعلم برسالند . ی جوجوهات جام آوری ازطرف که بون به المؤسسة خبريه شبروخورشيدسرخ لقديم شده كه يوسأيل مقتضيه به بازمالدكان اهالي آربت

🛶 ه 💶 آقابان : دکتر هل سر خی -، دكتر وستكار ، دكتر كيما ، دكتراسير الدين خان . دکتر ریاحی . دکتر خلمت باری . دکتر حسن خان بزشك برای جمع اوری اعانه و لوزيع قبوض آزيين اعضاء كمسيون أنتخاب فذلد تشريبه فالمناه مترد الله المامي مساءدت كنادكان بالعين معقداو اطله هر هنته اقلا در دو روز نامه درج خواهد شد ۷ - مدت جم اوری اطنه ازااریخ لفر اعلان الى يك ماه خواهد يود ی، ادید است حدوظنان عزیز وعصوصا اقایان أطبأء از شرکت در این اقدام کوجه مضوص ميذول فرمايتد 😓 طهران جات متفته اطباي ديلمه ی کمپیون امانه کریت ۲۰ اسد

احار واطر اجزای دوائر

مديد - آتاين حجج اسلام و همو طبقات قجار وكسيه و إستاف ذر مسجسه جلمع فستكوهر شاد مجلمع أزطرف حجة ا الاسلام آتاى آيت الله زاده بمسوم دوائر دولق اخلار عده است که استکر اعضاء قوائر دولتي المطبل المايندانها را سجامم مسلمين راء الخواهند داد ادارات التكرى و اللمبه و يست و الكراف كه طرف احتبا ج **محوم میماشند از این حکم مملئتی مستند**

ككثير عده متحصنين دامغا ن - احصن عموم طبقات در المكرافخانه كإكان بلق است امروز هم عده کثیری متحاوز از مزار نفر رمایا و زیش منهدان بلوك دومن كوم و دهات الوابع شهر وشميت ملال انحستكبز يشهر آمده داخل اجتماع شده و اظهار همدردی مزدمایند واز المصول وأخاله لحود دست أأشيده مراجعت امی امایند کاهی هم اظهار عزیمت طهران

الحقيق و رسېدکی لطف آباد - راورت آمدن سألدات و ار كمنها وأ سلطان عيا سقايعة في أرمالده ظاموان سر حـدى به درجز دادند قورى خرکت نموده بلطف آباد آمده شرخی به ار كدارى نوشته كه با اكنت روس مذاكره ر اکنت را بباورتسد الحف آباء که بحصار برده الحقيقات و رسيدكي أمايند الم يافزده قفر از هان سوار فركمتها از قراری که میکویند در جتور او غلی سرخه هستند التيجة مذاكرات بأاكنت هرجة شود هرض ويشوه

احارماره હેઈ∙ેલ હહા&ા•ે વેલે. وسميت آلمان یران - قبل از ان که شود. در اماق ا كو أو) و أيس الوزراء شروع شود يك عده از تمابندگان کار کران بنجلی امده و وكلاء سوسيا لبات ملاقات قموده وتقاضاى استعفاء حبئت دوات را كردهو تهديدكر دماند که می کاه تقاضای مزبوره مورد قبول لبايد يراى أجراء ابت خود يا اعتصابكرده وبإ باسلةامت منهبه خواهند مر ماخت " اين أككنه واضعوميرهن أستكاشتراكيونيدين اقدام میادرت ورزیده زیرا (کوهنن) وکیل اشتر کیوان کقاضا کرد که با تحقیق منحسل کنته و یا اجازه ورود به اتنا بندکان کار کران داده شود . مضار از اسلماع جلین بيشنهادى شروع يخنده و قبل وقال المودهو (کوشان) هم چون اوضاع را چنان نگریست از مجلس خارج شد. 🗕 َيْسَ ازْ أَيْنَ وَاقْعُهُ ﴿ مُولُو ﴾ ﴿ (استرَّسْمَنْ) هُمْ كَدَامَ أَطْقُ هَالَى أَيْرِأَد كَرْدَهُ

دائر بر اينكه معالمت المآن بتوالدجوابي پېاد داشت انکلیس پده ۽ 🚆 معموماً (استربيةن) اظهار داشت ك مدوم شدن البان بن الكلمةان ليز المتير خواهد يختبد و مر ال ال زیرا در انکاستان ماء کمتیری پیکار وسود ارد و لحد بالدويزم دوهردومالکت بيك صورت ظاهر خواهد کتت - 👷 , - (روز ابرك) وزير امور خمارجه ر خالمه الهلق خوبش اظهار داشت : وقق المان كمهدى مبكد كه خاك إلدان يتماميت خرد بق مالده

م د آزاد

أوضاع مشروع اراضي (رن) بحسال سابق خود عودت كردم محبوسين مستخاص كرديد، - ميمدين باوطان خودشان عودت تموده ـــ و قضيد رامت يصوراني حل و المغبه شود حکته مرجب أفناء و أعدام اقتصارى وى نشود حضار از استداع این آلحق بنایت اظهار خرشندی آدوده مکر دایندکان دست جب افراطی 🤅 (ر) 👘 🖉

و يولن . . . وضعيت حڪومت المان روز بروز كسب وخاءت مبكند ساعت به ساعت اللظار ميرود كه مونو أسلمفاي خود ا كملهم تصابد . مجمع كميته هاى كار ا تجات مقررداشتكه فوراً اعلان اعتصاب به روز در بر ان با شمار های دیل صادر شود ا خليم حصومت كبوتو ،

• تشكيل حكومت كاركران ودهاقين ، احساسات كاركران فير خلاف اركا تهاى حزب موسيال دمو كرات متدايل با عتصاب می باشند در اغلب کار خالجات آپرقهای سر خ إ هتزاز در آمده بواسله أعتماب إيط ليا مي (اعتماب أيطاليا في إك أوع اعتصابی است محکه کار کرآن بسر خدمت حاضر شده المسكن دست بكار المي زاند) كه كار خالجات مؤسسات الكمتربك إدأن مبادرت نموده اند طرق شهری از کارافتاده است . در کوجهای شهر دستجات زیا ی از بلبس كردش مبكستد قرائ بلبس عسارت أداره روز آامه ، روكه فانه ، را اشتال الموده و خود روق قامه اوقاف شده است فراكسيون بإراساني تحزيبة يتوسيال دووكرات

هاى راپرت سلا ماهلا فر ، رئیس کل مالیه ایران

يقبه أزنتماره قيل

ستور ماده شد كم قيمت الريك بالدرل شدة والرياك بأندرل أشاه را خرحته، الكرامًا الملاع هند • وسواسطه ابن أطلاعات و أعلاماتي كه هر هنته از مراكز زراعت رياك مبرسداداره مر كَرْى مَالَبات غَير مُسَلَّمَهم لكَات ذَبِّل را مُسْتُعَضَّر خُواهد بَوْد

(۱) جه مقدار ارباك قاحاني شده است (ب) وقوع قاجان چه علتی داشته _ آیا بواسطه کریك تقابی یا بواسطه باند رل

(ت) وضعیات پازار در جه حال است

يان اركيب ما ميتوانيم وموز جريانات عمل ارياك وأ إدست آوردمد وسورت زوم خلاح الديشي إراى اشخاصي كه مالهات مهير دازاد بنمائهم أجه ۲ = اولایات الملبماتداده شده است محکمه عسابدات خربك از منابع المالها عبر ستقيم را جداكانه در آخر هر پرج تلكراها بمركز اعلام دارند . بؤسبله أبن الملاءات می اوااہم عابدات ہرپر ج را با عابدات پروچ سابق وباعابدات ہمان پرج واجع پسنہ مانُبِهُ الطيبق كرده ازعَلَى له إثرات مخالف داراد جلوكين ۖ وَ وَسَائِلَى رَا كَمَ أَسَوَابَ لَلْتَهْر عايدات فستند ترويج المأثبم تخ

٣ - ارابب نظارای که جالبه اسماً وجود دارد موقوف و در غو من ترابب المكرى با المشه جديد كه فعلا الهيه شده پرقرارو خجرى خواهدشد ، بوسبله المتنهفوق ... الذكر ما من كواليم نظارت كام نسبت به فقرات ذل دارته باشيم (١) مقدار كرياكىكه فعلا وجود دارد ومقدار نزياكىكه درانيسارها شجمته طوايعدشد

(ت) مقباس ليجير طيبهي لرياك كه دو ولايات مختلفه متفاوت است (ت) مقدار کریایی که لوله میشود 💡 منه میشاند و مدینه و مشار (ج) مقدار آریاک که برای حمل بخارجه جونه میکنند . ﴿ ح ﴾ نظارت تام در ماليا ابكه يايد بر دو جزء اخر فوق الذكر هن إك جداكاته يرداخته شود پرسبله المحص في تجسس دقيق من السخه سوم جواز ما كم بداي خمل في الهل کریالہ غموما سیردہ مبشود خواجبہ داشت ۔ زیرا جواز نریاک که برای صرف داخلی اده بغيثود امضاء مامورين اداره منحل عمل وإمضاء ما ورين محل ورودرا بأيددارا بإشد وجوازي كم الى ارياك جونة مصرف خارجة دادمة شوديا يداء صاءاد اودكر كات داداشته باشد يعويى مشا عده بيشود يواسطة للشه فوق الذكر در عمليات أساسي مه كانه يعلى بازديد و جوم آوريماليات وسيدكي به أن اصلاح فرق الماده بوقوع خواهد ببوست و نظارت دقبق ما در مسوره اریالته مُصوف داخلی از روزی که وارد انبار کا ورزی که بشکل دخیان از لوله وانسون خارج میفود پر قرار خواهد پود . و همچنین در مورد اریاکی که حمل بخارجه میشود. ا روزی که از کحت نظر مامورین کمرك خارج کردد ما نظارت کام خواهیم داشت واز هَ كوله قاجاتي كه در البارها در موقع تريك مالي و بمتوان تبخير بسل مبايد جلوكرى خواهمه شدا تفتيش در دوان الفيش و الجنس نام دردوالم جمع آورى مالبات در طهرانوولايات بممل آمده استدااره ماليات غيرمستقيم إيالت ظهران، قم - غراق، هذان - كرما تداهان قروبين و ماهروه لحت انتبش در آمد. أند در درائر خراسان و ادربا بجان البزنجت لطومات ماؤر هال ومستر جواز الفتبش بعمل اعده است بي معد الم بمنتشين دستور داده شده که در خبريان تنتيشات خود و متصود را هميشه در

انظر داشته إدند والمعاصم معادي والمعاد الم يقية دارم

> وقسمت خلوى ممارت كه بسمت بأرك وأقم يود بسبار المجا فرار كند مسدود لموده بودند ولى هنوز نالله ا قبل از أيشان بدراز وقوع جنابت كسي بكر هنوزداخل ملند و از بالای دیوار های آن از میان قریه های سر وره که مشرف بساحل ارماندی قرارکرفته اند دو کنار افق امواع أي راك دريا بخوبي بدا بود

که نت ژسورس با دختر زبیای خود سوزان و دختر عموی سوزان ریمند که دو سال بود بایم شده بود در انجا زندی میکردند ونع زادگان ایشان خبلی آرام وینیز از با یکی دو همهایه ابدا باکسی دیگر وقت وآمد نداشتند فُقط كابياتها خود كنت برأى كردش وتدريج موزان وريمند را بشهر (ديب) مېږرد وياقى سال را وكمك منتى نخصوص طود داوال متنهول رسيدكى يامور زراعتى دهات واباداني خود بود

بارى مدعى المموم وقاض الحقيق دأخل عمارت شداد ابتدا مطلم كرديداد كم اسارت الهديد اميز يكي از دردان که ژاندارمری قلمه خبر داده بود. صورت واقعى لداود فقط والمهائي كه ممكن بوده أست قالل از مجاور طالار رّا باز كرده آلها را بأن اطاق برد كه ت

a liter did to discourse an atrana

يعد داخل طالار شدند ولي بأمورين محكمه إلى زياد نمجب أمودند زيرا إيدا در مبل ما وزينت هاى طالار لغبيرى حاصل انشده بود يك برده. القاشى عالى کار روینس که تمایش وقاح افسانه های مذهبی یونانها بود و به کنت بارث رسبده بود بد یوار اصب بود و هزار چیز فبستی دیکر که تمام دست الخورد. پنجای خود يودنه لظر مدعى الممرم را جلب كردة مشار إليه بب لمجب زياد كمنت : - إكر دودى عرك أبن خيابت بود. بس جرا اين طالار از دستيرد دزدان مصون مالسده **ست ا** الأراح والي التي يرف الجوار ال قاضى للحقيق كمفت : - كسى جه شهداند شايسة

مقصود دیگری داشته است 🖉 در این خمن کانت ژسورس باطباب وارد شد و مثل ابنکه ابدا احساس ازراجهای تب پش امی سند با کمال ا ب با واردین تمارف کرده و بهد در اطباق

در این اطاق بر عکس طالاد امام مبز وصندلی بهم كربخته شد. بود بك ساعت ديسواري و مقـداري كا غَدْ بِكَ جَمِيه بِالحَتْ المامُ بِسَنْ مَسْبِنَ أَحْتَنَ دد. اود 🕺 و در زوی پسنی کاغذ های شغید اکم های خون دید. میشد طیب بیش رفته تمش را مماینه کرد

بَهْجَارِه داوال بَرُوْى زَمَيْنَ افتادِهُ بِود او رَا بِركَرِدَانَهِد در شینه اش شوراخ بزرکی مشاهده کرد که بینرب جانو آحداث شده أبود يربيهم وتأسرتها العابي فأساق أنهر عنا بعد از ساینه رو بسطار کرده کفت : ممك این شخص فوری شده مان شرب جادو کار طود را ارده است ا قاضی نحقیق کانت : ب باید همین طور باشد و بَانُو رَآ هُمْ مَنْ دُرْ رَوْى طَافَجَهُ طَالَارٍ دَيْدُمُ کنت وسورس نیز مخن قاضی را گمسه بق محکرده کفت : آبله جانورا از همین جا من از داشتم جزو اسلحه های دوره شوالبه کی من است که در طالار ديوار تصب بود و بهلوى هانها هم بك المنك به 🚽 شقيقه من زده و من ازخود بيخود شدم

مبخ آوبزان ابود که اختر عموم ویند آلرا می داشت پرای انکه درد را بزاد اما علاوه بر جانو بك كلاه شوفر از جرم ايزمز باغ بيدا شدد كا حتما مال قال ميداشد معد ا

بعد از ابن مكالمه قاضي دست كنترا رفعهه بأطأق طالار آورد و شروع كرد به عُسؤال كردن از انج را که خود او بَجشم دیده و کار ها فی را که ديكران نموده الشريخ المراجعة في المحمد الذر

کنت در جواب کان : ۔ اقربیا ساعت جار بعد از نصف شب بود که من بك مرابه از جاي خود در وخلخوب پريدم زيرا مسيو داوال با شمعداني به دست و خمان "طور که او ارا دیدید بعثی شرا یا لپائن یوشیده مرا بیدار کرد و باصدای لرزنده می کفت : جِنْأُبُ كَنْتُ جِنْد نَفْر دَر طَالَارُ هُــةَنَّد مَنْ كَبِّي كُوش كردم ديدم واقماً صداى با مي آيد إلى از جاي خردير الخواسته بالفاق داوإل حمين در اطاق را كه أبه طالار باز ميشودازكرديمكايك مرآمه شعقصي بالمقأب لمجام فشتي إلمه

ما ورود ايتان را ابريك ميكوڤيم در هند خواهند باند اقاى مزز الدوله وزبر مقبم هندوستان پسمت سابق خود باق خواهند بود و به اللبس اميرو الأ

اقاى على قل خان البيل الدراة يسمت ممايندكي سواسي المليس التخاب شده أحكام رسمي إيثان صادو كرديد

ریا۔ت کل ارزاق انظر بالهميت مسئله ارزاق طهران و اطلاعات كامل و ساينة كه اقاى مديرالملك وزبر ماليه كابينة سابق اقاى مشير الدوله أز ارزاق دارند دكتر مبلييو ادارم ابن إم را از مغلم له الما خَاجَ كَرد. و ايشان قَيْن

syna s**(*)** a الما المبد واريم كه يا يك رقيس يا سَابِقَهُ أو بِإِكْمَا بِي مثل اقاى مدير الملك أمر ارزاق بكاي اسلاح دود

والی فارس . شاهراده تسرت الدوله فرمالفرماى ايالت قارس غردا صبح بدترفرماندرمائي خودحركت **خواهند آمود** بالمجمع منهج المحمد الم شیر و خورشید سرخ کارمیکند مصر روز کذشله جلسهٔ شیر و خورشهد سرخ در گسمت ريات لغيان الملك تسابب وثبس دوم کتکیل کردید برای جلو کری از مهض تلرا در عبادان مشنول مذاصحره بودلد و لبزمقرركرديد كه يمضى ازمخرمين را بسرای عضویت هیئت مؤسسه دعوت

ورود أقاى تبخ المراقين كه جندى قبال إراى ملاقات حجج اسلام بكرمانداهان رفقه بودند بي از حركت آقايان از همدان معزى اليه مراجبت يطهران الموده شب سه شنيه وارد مرکز کردیدند R. F. R. R. R. R.

آتاى شبخ ألالم ملايرى قماينده دورهٔ پنبچم نقنهایه تېز ورز دو شنبه وارد مركز أفعاله أوارا ويرود المجاوري

liam آمای میروا اخد خان کانهل ادار. مرکزی وزارت داخله به عات خبر معلومي استعفاى خودرا به آقای تنهل وزارت داخله تقدیم امرود

كفرانس تشكيل ميشود روز بكتابه آينده جلسه كنة رالس عقد قسراو داد کمرکی آنران و روس دو آخت وباحت آقاى انتظام الملك اشكبل خواهدشد تير اندازي تبر ميشود

أز طرف وزارت ماليه اسميم غده است كه المبر جديدي براي عايدات جواز آير الدازي طبع و تحويل خزانــه دارى كل قشون

ورود شامزاده نصرت السلطنه روز دو شنسبه وارد محروين شده در اداره حکومت اقامت ومودند حکومت و رؤسای دواار دولق و بهضی از محترمین و سواره نقاسام و صاحب متصيان تظميه تأاليم فرسخى ههر منظم له ارا استثنيال اموداد في المراجع المحمد

سر کشی باملاك شامناده معدد السلطان وراى شر عنى به علاقه جات خود به سلطان آبد عراق خواهند رفت 👘 👘 کمیته امتیازات ک روز تذعته كمبته إمتيازات بأور قوق المأدم قبل ازظهر در وزارت فو الدعامة تحارت لتكمل كرديد امتباز استخراج بنط يكي از ولايات شمال به لحار أبراني مطرح مذاكره كرديد جون نفار دكتر مهلميز در ابن موضوع دخالت دارد مقرر ردید يس از مراجعة بايشان كمبقه عقبده طودرا ايراز أمأيد

الية، اكر درست دقت كنيد امتياز ودخواهد شد يراى إينكه العصار النت يك ولايت بجند تذر دادن ع لف منافع عموم

کمسیون واہ آہن · امروز چهاریمد ازظهر اخرین جلسه

كمميون رآء اهن دروزارت خارجه باحضور رسكلي لنسكى تشكبل ولايحهاى له قبلا لهبه لدوالت كموب ورايرت جامع ابتأت وزراء قديم خواهند دأشت 🔅

مرد آزاد

انجهن نظارت مرکزی دست 🕺 بدست 💑 کند

روزكددته قبل أزظهر أنجحن ظارت ركرى تدكيل فقط اقاى أدين الملك إواسطه مارنه **ستحدالت حاد**ر المدّر بوداد بس از مذاكرات زياد در موضرع اراء لواسالات ارار شد که سنو لالی از قای حکم الملك بأبور اخذ اراغ ألواسانات بنماينه بس از حصول جواب أز معزى البه تشبه را حل E Barre - Par . De تمايتد يرداخت مساعده از طرف خزانه دار کل مقرر کردید

لم، وجره وأرده را يتوض مُما عده كه أز ادك شاهي در يافت شده بير ازاد الما بسه حداب جباری بانک و دولت خبانمه داده مود الم الم الم الم الم الم يس از ختم محاسبة اداره خزاله دارى كل از وزارت مالية بة بالك ايران التقسال خواهد يافت و تليه داد و 21 دولق مهده بالك ايران خواهر بود منتش ما لبه الم آقاى مبرزا بالن ساينده ارا،نه در هوره جهارم تقنبنه أز طرف وزارت مالبه بسمت الما هنعم عرم در جريان طواهد بود منتشى وزارت مالية منصوب كرديد

> ميرزا مابوق خان بسمت فاغر كميسبون التفارين خدمت منصوب عد الله

از وزارت داخله متحد المالا بسوم حكام أيالات وولايات أمر شدكه جربان انتخابات را نا روز هنتم ماه محرم ادا مه داده از منتم محرم تعمايان كناد تا روز جهاردهم از رُوز چهار دهم مُجددا انتخابات راجریان داده خالمه دهنه

طلوع مرض و با المار پهوجب راپرتېکه از پندر فاصری رسید.پس از رفع شرف طاعون شرف کارا درعیادان. بروز روزى بنج نفر كلف مبنموده كااخيرا

د. الفات به روزی بالرد. انر رسیدمعلت رایت این مرش را آر اثر تردد جهازات عمله جات كثيره أدار، الط جنوب أز خط اب به خشکی مهدالند

. از وزارت خارجه رابرت فوق به مجلس حنظالصحه دولقمراجعه كرميد يرداخت حقوق

جون مدنی است یك عده از کارد شهرىهمه روزه إدريار يرأى مطالبه حقوق عةبافتاده خودشان مبرو الدحسب الامررباست وزراء عظم ملغ ده هزار اومان ازخزانه دارىكل باداره نظميه بزداخته شدئه حقوق عقب افتاده ألهارا بيردازاد چراتون آنتخاب نمی کند ?

وزارت داخله يحكومت خراسان للكراقا امر نمودند که پخکومت اون تاکید نمایند كه امرٌ انتخابات أنجساً وأ بنوريت شروع كينند حكومت خرأسان جوابآ الحلاع مبدهد که بحکومت طبین ذستوردادهشدکه شخصا به كون رفته شروع به التخابات امايند لتيجهوا ، **يعرض ، ديرسا ام** اد مندسيدو ما ميد مدر ميدوني حريان انتخابات

حکومت در جز پوزارت داخلهمینویسه ا اينكه برحب الكرافات علماء تعابل موم است وفوق الماده اسيابيزحت است القخابات یك مختلس كبر افتاد

وزارت داخله بجانش رسيد ميصر الدولة اأيب الحكومة خرقان كه يه سرق وزارت داخله از طرف وزارت فوابد مامه بریاست معمدن زمیک منصوب شده بود بدون إجازه وزارت فوايد طمة معادل م زار و شمه درمان بدك إستخراج وجه آن را اختلاس لموده آست وزارت فوايد امه مثار اليه را كوسط وزارت داخله أحضار الموده که سه هزار و ششصد اومان را ازاد استرداد لمايند مثار اليه يس از ورود به مركنز جندى را بمسامحه كذراليده متجددا بدون المسلاح وزارت فوايد عامه از طرف وزارت داخله به محل ماموريت سابق خوم مهاجعت لعوده است

انتخابات عراق وا چه باید کرد? حلامران عراق إوزارت داخله وأيرت میدهد که التخابات در زمان حکمران سابق شروع لشده ابن اوقات با اشريف فرمائي آقايان حجبنج اسلام واليام عاشورا مصادف شد. است هرکامامهمی قرمانید در معد طشور آ شروع و الا بعد آز مأشورا شروج شوه آربت جا برای نظار نداود

حكومت كريت بوزارت داخله مىلويسة ه چون حدّوت زارله عمام مساجد و تکایارا اراب آموده فتط مدرسه حاحي إمين المعو رای محل انجمن تفاار معین شده است و در ابن مدرسة صبيخ و عصر روضه حوالي مبشود اعضاء الجمن همجو سلاخ مبداللد که انتیخابات از جهاردهم محرم شروع شود هیئت متفقه اطبای دیامه 🗧

المنبه مؤلمه والجانسوز أربت الابت تنقه اطباى دبيلمه را وادار شودكم يقالون طبيعت براى مساعدت به بازمالدكان خرابه ادين أريت كا خشم حاى خودرا أسوى شنقت إرادران طهرالي طود بآز كردة الد أقداماني Alge with provide the providence of the sales وراى ودرفت ملمد : ...

بانزد. روز قبل آقابان فيل مز منزل آفاى دكتراحياء الملك معرت فداد: أقابان دكتر احباه الدوله شيخ-دکتر مرکضی خان کل سرخی - دکتر عیسی خان _ دکتر سید خسن خان حکمت منصی دكترسيد إيوالقاسم خان شيخ الاسلامات مكتر إيوالقساسم خان وستكارك دكتر يتحيى خلن سما ہے ۔ دکترسید اوسطوخان علاج ۔ دکلر بد أورالدين خان - دكتر ممهد الأطياء -. المر تورات حان - " مكتراً بوالقاسم خان كيا -رمسکار سید عبدالخنان - داکر خسنخان زعله د کر عمد حسین خان ۵۰ کفر سید تصیرا لدین خان علاج _ دکتر علی انسکیر خان قرجه داغی _ دکلرریاحی _ دکلر خلعت پری-دند سبدرسا خان - دكترم كس خان معلم يس ازحنور احكتريت مدعوين ومذاكرات لازمه مقدماكي تسميهات لأزمه يطريق ذيل الناذ بد : المار الماري الماري الماري الم يا يزسام هيئت متغقه اطياء دييلمه شروع بهجمم أورى اعاله براى اربت خو أهدشه

> uilling to از عمليات أرسن لوين كالف : موريس لبلان ارتيمه : محدعلى - كا ثبان

مقامه مترحم

که از خرابه های آنار سومعه کذشتسه بسمت آن در عَنى مَبْرَفْتَ دَخْتَر شَجَاعَ مَهْلَتَ تَدَادُهُ بِاللَّهُ قُرَاوَلُ وفته أو أرا تشأن كرده لير خالى شد و آن شخص افتاد بروی زمین .

بکی از قو کرها فریاد زد خودش است خودش احت و درید بسمت باغ ولی قبل از انکه این اوگر یرسدریمنددیدکه شخص افتاده دو باره پلند شد دو سه قدم راء رقت و باز تجددا بزمین افقاد ریمند اوکر ديكر وا سدا زد. كَفْتْ : مَ بِيْنْهِدْسْ أَزْدَيْكَ الأَجِبْ ق کری علف ها مهخزد زود بأش

فرار کند دست راست که درب ان خرابه هااست و 🖡 دقیقه دیگر او را کو خواهیم اورد

ا بسته است ان یکی نوکر هم سمت چُب کشیك او را ا در جواب کفت : - چرا ۰۰ خبرا شما هیچ کار الداشته باديد بك فشك دوكر من دارم . . " ومحض ابنكه ازجاش تکان بخورد او را میزنم و دخیر جوان انتك را بر داشته از اطباق خود پسمت خرابه هایی که از آنجا در د اولی فسرار 🖁 کرده بود رهسپار شد بکی از نوکر ۱۰ فریاد آشید : ماد موازل۔ رفن پیت الا چق میں دیکہر ا و^{نی}را امی پہنم احتباط کنید رَبْعَنَدَ أَبَا اللهُ اللهُ وَعَالَ الرَّ عَالَ خَرَا بِسَهُ عَلَى بدرن الکه ارسی داشته باشد کذشت و ایکی او او ک ما که او را دید از نظرش محو شده دوید بجاب الاجبق که مبادا خطری متوجه او شود خون بغاصله سی قدم از ایجا رسید دختر را دید که اهسته بس

مهکردد و در خرابهرا قفل کرده و از ایسن جهست را، فرار را پر دود مسدود آموده بود جون یکی ا ز الله المو آن كفت : له خاطر أجع باش نهى الواند 🔰 نوكر ها را ديد باو كفت : خاطر أجمع باش السا دم

شان وإمو الحراف أن قلمه أيداً كان وأ^{ن الد}يدة بودند كذرار تمايد بكي از نوكر ها كه انتجا أيستاده بود کفت : ــ بای واضح است که اندرانسقه است فرار دماید اورا درپشت یکی از این دیوارخـرایها ایسیدا ا خواهيم گرد آنهن آيا آنج ما جا جا جا ه ا بی ساحب قلمه و آریمند و دو افر او آس

شروع كردند به كردش كردن زبر يوله ها و عشقه ما که بدرختان بنجید. بود بشت دوارهاودرهاو بغل سترنها و اطراف محراب و دیگر جائی نماند که زیر و رو تکردند هیچ آثاری از دزد پیدا اشد تینیز ا ز یک کلا، جرمی مال شوفر آها که دو مانجائی که ایر رېمېدېهد فرسېد، بودافتاده بود و بس 🕺 ... در ساعت شش سبع ژاندار مری آن قدریه که این عمارت در آن والمع يود از أوضاع الحلاع حاسل كرده و المكرانا بارکه بدایت ایمنی، محکمه جنائی شهر(دیپ) را محمه مجاور آن قريسه يود مخبر سأخت رئيس ا قريب إيست سال يود قد در آلجا ساكن يود

ساحب قلمه و بسرش از ابن هما هوی شیاله ا والدار مری محل در باد داشت خود اسارت کمسهبد می کند شما لازم نیست پروید ما د موازل (بیند) و مدای تنك بیدار شده وارد عمارت شدند ولی در انکهز بکی از دزدان و اکتشاف کلاه و خنجر اورا المهز متذكر شده يود المجاه بالحق الراحد أليكا محد أي القربيا ساعت ده بود که أز الثبت لبة مشرف به قریه دو درشکه امودار شداد که پسرعت وجانب قلمه م آمدند در درشکا جلوثی که خیلی بزرك و ازتلام او معلوم بود که باید اشخباس رسم در آن اشعنه باشنه مدعى المدوم شهر (دبب) وقاضى تحقبق وبك منشى بود امر درشکه دومی دو نفر جوان که مخبر روز نامه -ثن بودند بایك ورق كاغذېزرك پرای با داشت اخبار قبل از آن که مامورین عدلیه داخل عمارت شودد خوب است از تاریخ آن سومه و وضع زندگانی ساکنین آن قدری صحبت فیاتیم

این صومعه قدیمی که سابق مرکز کارکن دلیا بود در زمان انقلاب گیر فراسه قسمتی از آن خراب شده و بعد کنت وسورس از او آلرا لعمع کرده و



Y min

😽 _ آقاى دكاير احياءالدو له الشيخ ، برای ریاست کمیون آعاله و آفای د عر مركدي خان عاسب وآ داى دكتر ابوالقاسم خان وستكلر مندى براى اكثريت إنتخاب

الس - برای الدویق و پیشرفت او سه خبربه شير و خورشهد سرخ علامت اقرا در قیض امانه چاپ کرده و بامضای ً ناب رأيس أول موسمه شير والخو وعيسد سرخ اقاى دكتر إمير أعلم برسالند . ع _وجوهاتجم آوری ازطرف که-،ون به المؤسسة خبرية شبروخورشيدسرخ لقديم شده که پوسایل مقتضیه به پازمالدکان اهالی تربت وسائند

🐼 ہ _ آقایان : دکتر کل سر خی -، دكتر وستكارت دكتر كيمات دكتراهير الدين خان . دکتر ویاحی . دکتر خلمت باری . دکتر حسن خان بزشك برای جع اوری اعانه و توزيع قبوض ازيين اعضاء كمسيون النخاب فداد محيمة معتقد

م المامي مساعدت كنادكان بالميين ممقداو اماله هر هنته اقلا در دو روز تأمه درج خواهد شد ۷ مدت جم أورى أمانه ازاريخ هر، أعلان إلى يك اله خواهد إود من ا الما المبد أست حموطنان حزيز ومخصوصا أقايان أطباء از شركت در أبن إقدام كرجه منضوس ميذول فرمايتد 🔬 👘 المران جبأت متفقه أطياي فبيلمه کمبون امانه کریت ۲۰ اسد

norder en andere en Norder en andere en a اجار داطير المان المرجعة الجزاي أدوائر مسير مشهد _ آقان حجج اسلام و همو م طبقات تبجار وكميه و إسناف در مسجسد جلم محوهر شاد مجامع أزطرف حبة -الاسلام آتاى آيت الله زاده يسوم دوائر دولت اخلار عده است که اسک اعضاء قواتر دولق أسطبل فلمايندائها وا بمجاءم مسلمين راء المتواهند داد ادارات اشكرى و الظميه و يست و الكراف كه طرف احتباج عموم میپاشند از این حکم مستثنی ،مستند

الكثير أعدم متحصابين رُّدامةا نَّ 🗕 الحُصنَّ عموم طبقات در للكرافخانه كإكان باق است امروز هم عده کثیری متجاوز از مزار نفر رطا و رایش سفیدان بلوك دومن گوه و دهات اوایم شهر. إ وضعيت ملال المصحير إشهر أمده داخل أحقباع شده و اظهار همدردی مبتمایند وآن محصول وأخاله خود دست آشيده مراجعت امی امایند کامی هم اظهار عزیدت طهران

الحقيق و رسېدکی لطف آباد ـ راو ت آمدن سألد ت و ار كمنها رأ سلط ان عيا سقا يخان فرمانده نظامهان سر حمدی به درجز دادند قوری حرکت الموده بلطف آباد آمده شرخی المه كار كذارى اوشته كه با اكنت روس مذاكره و اكتت را بېاورنسد الطف آبا، كه يحصار برده تحقيقات و رسيدكي المايند » بانزده نفر از مان شوار آرکمنها از قراری که میکویند در جتور او غلی سرخت هستند التيجه مذأكرات بأ اكنت هرجه شود حرض ديشوه

احارفاره 4. • 4 - 4 - C ی وضعیت آلمان یرلن - قبل از ان که شود در المق كونو) ونبس الوزراء شروع شود يك عده از تمايندكان كار كران پنجلس امده و بإ وكلاء سوسيا ليست ملاقات لموده وتقاضاى استعفاء حبثت دولت را كردمو تهديدكر دماند که م که اناخان مزبوره مورد قبول لبايد براى أجراء ابت خود يا اعتصابكرده ويا بأسلةامت منفبه خواهند مر ماخت البن نسكته واضعوميرهن استكاشتراكونيدين اقدام میادرت ورزیده زیرا (کوهن) وکبل اشتر کیوان تقاضا کرد که یا مجلس منحس کنته و با اجازه ورود ، به اتنا بندکان کار كران داده شود - مضار از استماع جابن بيشنهادى شروع يخنده و قبل وقال آمودهو (کوشان) هم چون اوضاع را چنان نگریست ، مجلَّى خارج شد - بس از آيان واقعه (دول) و (استرسمن) هم كدام اطق هائي ايراد كرده

دائر بر ابنكه محالست المآن بتواندجوابي ا بِباد داشت الكليس أبده ، 🎆 معدوماً (استرحمن) اظهار داشت که مدوم شدن البان إر الكلمةان ليز بالير خواهد بعثيد بالمراجع زبرا در انکاستان عده کنیری پیکار وجود اود و لحذا بالدويزم دوهردوملكت بيهك صورت ظاهر خواهد کنت - 😥 🔍 - (روز ابرك) وزير امور خارجه در خالمه الملق خوبش اظهار داشت : وقني المان كمهدى مبكد بكه خاله ألدان يتمامبت خود بق ماندر 🔄 🕺

مرد آزاد گ

اوضاع مدروع اراضي (رن) بحمال سابق خود عودت كردم محبوستين ممتخاص كرديده - مبعدين باوطان خودشان عودت المؤدم ۔ و قضيمه نرامت ب**سورتی حل و اس**فیه شود **س**که ، جب افناء و أعدام اقتصادی وی نشود . بضار از استداع این آطق بنایت اظهار خرشندی ، اموده مکر امایندگان است ، چپ افراطی ۰ (ر) 👘 👔

مر ان _ وضعبت حڪومت المان روز بروز کسب وخارت مبکند ساعت به ساعت اللغار ميرود كه أونو أسلمناي خود را كمليم تمايد . مجمع كميته هماي كار اجات مقررداشتكه فورأ اعلان اعتصاب به روز در بران با شمار های دیل صادر شود ا خذم حصطومت كونو ،

• لشكيل حكومت كاركران ودهاقين ، أحساسات كاركران فير خلاف اركا تهاى حزب سوسيال دمو مرات متمايل با عتصاب می بانند در اغلب کار خالجات ایرقهای سر خ حتزاز درآمده بواسطه أعتصاب إبط لبائي اعتصاب ابطالبان يك أوع اعتصابی است محکه کار کران بسر خدمت ماضر شده ابرکن دست بکار نمی زند) كه كار خالجات مؤسات الكتربكي إدان مدادرت نموده اند طرق شهری از کارافتاده است ، در کوچهای شهر دستجات زیاریاز بلبس كردش مبكسنة قراى بلبش عسارت اداره روز نامه ، و روکه فانه ، را اشتسال ندوده و خود روز نامه توقف شده است فراكميون بإرلماني خزب بتوسيال دوركرات

فعادم واپرت سلا ماهلا

رُبِ رَثْبِس كل مالبه أيران الله الم ال

دستور داده شد که قیمت از یك باندرل شده و اریك باندرل آشاه را خرهنته بانگراه اطلاع دَعَند • بِسُوأَسِطه آبْنُ أَطْلَامات و. أعلاماتي كه هر هفته از مراكن زراعت لرياك مبرسُدادارم. ار آزی مالیات غیر مستنهم اکات ذیل را مسلمعض خواهد بود (۱) جه مقدار ارباك فاجاني شده است 👘 👘 🗤

(ب) وقوع قاجان چه علتی داشته _ آیا بواسطه تریك تفابی یا بواسطه باند رل

(ت) وضعیات بازار در چه حال است

بقبة أزشماره قبل

بابن ارتيب ما ميتواليم وموز جريانات عمل ارياك را بدست آرودمد رسورت ازوم خلاخ الديشي تراى اشخاصي كه مالبات مهيردازاد بنمائهم ۲ - اولايات الملبماتداده شده است محصه عسابدات خرك از منابع المالها عبر

ستقيم را جداكاله در آخر هر پرج الكراه بمركز أعلام دارند . بؤسبله أبن الحلاءات می اوانیم عایدات هربر ج را با عایدات پروج سابق وباعایدات همان برج واجع بسنه مان به الحديق كرده ازعلَّلىكه اثرات مخالف داراد جلوكري "و وسائلي أرا كه اسياب تكتبر عايدات هستند ترويُّيج للمأثُّيم 🐃 🍜

٣ - ارابب نظارای که حلالیه اسماً وجود دارد موقوق و در غو ش ترابب المكرى با المشه جديد كه فعلا ثهيه يده برقرارو مجرى خواهدهد ، بوسبله المتهافري ... الذكر ما من كوانهم نظارت كام نسبت به فقرات ذل دادته باشبم المح الله الذكر

(1) مقدار كرياكىكه فعلا وجود دارد ومقدار ترياكىكه درانيارها خبت خويعدشد (ب) وزن خالفن ارياك شيمي من الماني الذي الم الم الم (ت) مقباس كبخبر طيبهي ارباك كه دو ولايات مختلفة متفاوت است . (ت) مقدار کریایی کا لوله میشود 👔 میشود می میشود از کار میشود 👔 (ج) مقدار آریاک که ارای حمل ایخارجه چوته میکنند Water Parts (خ) نظارت تام در مالیا ایکه باید پر دو جزء اخیر فوق الذکر هن بك جداكانه (يرداخته شود يوسيله بمنعص و تجسس دقيق در المخه سوم خواز ما كه برا ي خمل و الهل کریال عموما سیردہ مبشود خواہیم داشت ۔ زیرا جواز اریاک که برای صرف داخلی اده بغيفود امضاء مامورين اداره محل حمل وإمضاء ما ورين محل ورودرا با يددارا باشد وجوازي ك رأى ترياك جونه مصرف مخارجه داد مبعود بإيدا ، مشاعاد او مكر كات دادانة باشد يعذوبي مشاحد مبعود يواسطة تقده فوق الذكر در عمليات أساسي سه كاله يعلى بازديد و جوم آوري ماليات وسيدى به أن اسلاح فرق المادة بوقوع خواهد ببوست و نظارت دقبق ما در مسوره کریالے مصروف داخلی از روزی که وارد انیار کا ورزی که بشکل دخان از لوله وافسور خارج میشود پر قرار خواهد پود و همچنین در مورد تریاکی که حمل بخارجه میشود ا روزی که از کحت اظر مامورین کمرك خارج کردد ما اظارت گام خواهیم داشت واز هُن كونه قاجاتي كه در البار، ها در موقع تريك مالي و بمتوان تبخير بشدل مبايد جلوكيرى خواهسد شد تفتيش در دوائن تنعبش و تجنس نام دردوائر جمع آورى مالبات در طهرانورلايات ومعلامده استدااره ماليات غيرمستقيم إيالت طهران قم - غراق حدون - كرما تداخان اروین و فاهروه لحت انتبش در آمد. اند در دوائر خراسان و اذبهایجان ایزلخت الطيمات المؤر الهال ومسترر جوانز الفتيش يمدل أمدم الست بمنتشين دستور، داده شده كه دو تجريان آنتيشات خود و متصود را هميشه در اظر داشته بالندسي مستحصي مستحصي مستحص الم بة به داره

> وقسمت جلوى ممارت كه بسمت بأرك واقع بود بسبار پلند و از بالای دیوار های آن از میان قریه های س وه که مشرف بساحل ارماندی قرار کرفته اند دو کتار فق أمواع أبي راك دريا يخوبي يبدأ بود

> > ک تت وسورس با دختر زیبای خود سوزان و دختر عموی سوزان ریمند که دو سال بود بایم شده ېود در انجا زندکی میکردند

وضع وتدكان ايشان خيلى آرام ويدير از يا یکی دو هٔمهایه ابدا باکسی دیکر رفت وآمد نداشتند. فقط آليستانها خود تنت براى كردش وتفريح سوزان وريمند را بشهر (ديب) مېمبرد وياقي سال را وكمك منشئ نخصوص طود داوال مشغول رسيدكى بامور زراعتى دهات واباداني خود بود

بارى مدعى المدوم وقاضي احقيق دأخل عمارت شداد ابتدا مطلم كرديداد كه أسارت تهديد اميز يكى آز دزدان که ژاندارمری قلمه خبر داده بود مورت

بعد داخل طالار شدند ولى مادورين محكمه خبل زياد لمجب تمودند زيرا إيدا در ممل ها وزينت هاي لمالار كنبيرى حاصل فشد. بود يك بردة الماشي عالى كار روينس كه المايش وقاع افساله هاى مذهبي يونانها بود و به کنت بارث رسبد، بود به بوار اصب بود و هزار چین فهایی دیکر که تمام دست لخورد. بجای لود يودند نظر مدعى العموم واحلب كردة مشار البه بهما المجب وياد كمنت : - اكر دودى عرك أين جدابت بوده بِس جِراً أبن طالار أز دستيرد دزدان نصون مانسده ون و باب امت و از بار الأطريب كي روي و المراجع الك قاضى لمحقبق كمفت : 2 كسى چه مُهداند شايـد

مقصود دیگری داشته است 📜 🌾 در این خمن کنت ژسورس باطبیب وارد شد و مثل ابنكه ابدا إحساس ازراج، دب بيش في كمند با کال اب با واردین کمارف کرده و به د در اط ق أواقعى لداود فقط والمحالي كه ممكن بوده أست قالمهاز مجاور طالار وا باز كرده ألها را بأن اطاق برد كه محا

انجا فرار كند مسدود فموده بودند ولى هنوز نائلبه منه از أيشان بمداز وقوع جنابت كسيديكر هنوزداخل آنجا ندمه اود المام مبز وصندلي الماق بر عكس طالاد المام مبز وصندلي بهم ريغته شده بود بك ساعت دبوارى و متحدارى غد بك جبه بالحكت اسام بسز مسبن وخن 🚆 و در روی بعضی کاغذ مای شنېد لکه های خون ديد، ميشد طبب يبش رقته تعش را فعايته كرد بهجاره داوال پروی زمین افتاده بود او را برکردانید ر تلبینه اش شوراخ بزرکی مشاهده کرد که پیشربچانوز آحداث شده آبود بريجز بأراج الجاجات ا د از ساینه رو بخشار کرده کفت : مماك اینشخص فوری شد. ممان ضرب جاڈو کار خود را کردہ است قاضی تحقیق کفت : ــ بابد همین طور باشد و الجافو أرآ هم أبن در روى طافحة طالار ديدم آنت ژسورس نیز سخن قاضی را کسند بق کرده کفت : اله جانورا از ممبن جا من بر داشتم ،جزو اسلحه های دوره شراله کی من است که در طالار مودیوار نصب بود و پهلوی هانها هم بك تنك به منتقبقه من ؤده و من ارخود بیخود شدم

مبخ آوبزان ، بود که دختر عموم ریمند آنرا بر داشت پرای انکه دود را بزاد

اما علاوه بر جافو بك كلاه شوفر از جرم قبزدر باغ بيدا شد. كه تحتيا مال قاال ميباند الله ا بعد از ابن مكالمه قاضي دست كنترا رفتهم بأطاق طالار آورد و شروع كرد بسة عسوال كردن از انج را که خود او بچشم دیده و کار ها أی را که ديكران قموده الذريب فالمتحد المتحد والمحد المحد

کنت در جواب کهت : ـ افربیا ساعت جهار بعد از نصف شب بود که من بك مرابه از جاي خود در رخَتْحُوْبٍ بِرَبْدُمْ وَبَرَا فَشْيُوْ دَاوَالْ بَا تَعْمَدَا بَيْ بِهِ دَست و هَانْ أَطُور کَه او أَرَا دَيْدَيْد بِعَنْيُ شَرَأً بِإِ الْيَاسُ یوشیده مها بیدار کرد و بامدای لرژنده می کفت : (جالب آنت چند نفر در طالار همیند بن کمی آوش كردم ديدم واقداً صداى با م آيد بس از جاي خردير خواسته بانماق داوال همين در الطاق را كه به طالار باز الميشودبازكرديمكايك أشرابيه شمخصي بأشلاب لمجام لمشتى بيله

ما ورود ایشان را تبریك میکوتیم در هند خواهند باقد اقاى معزز الدوله وزير مقبع هندوستان

بسمت سایق خود باق خواهنده بود و به المليس اميروقف اقاى على قلى خان البيل الدر (يسمت دمايندى سواسى انليس النخاب شده أحكام رسمی إيشان صادر كرديد

ریا۔ت کل ارزاق الظن باهميت مسئله ارزاق طهران و اطلاعات كا.ل و سابقة كه اقاى مدبرالملك وزبر ماليه كابينة سابق أقاى مشيرالدوله أز ارزاق داراد دكتر مبلسيو اداره ابن إم را از معلم له تقا شام کرد. و ایشان نیز يذيرنته أند الم

· · · · · · · · · · · · · · · · ما امید واریم که یا یك رئیس یا سأيفه و يا كُفاتي مثل اقاى مدير الملك أمر ارزاق يكابي أسلاح دود

ا والی تارس 🐘 ا شاهراده تصرت الدوله فرماندرمای ایالت فأرس فردا صبح يمقرفرمانفرماثي خودحركت خواهند أموه فالمستعققة ويتبع بمعتر الم شیر و خورشید سرخ کارمیکند مصر روز کذشله جلسهٔ شیر و خورشهد سرخ در قسحت رياءت لقيان الملك تسايب وثبس دوم تشكيل كرديد براى جلو كبرى از مرض کلرا در عبادان مشنول مذاکره يودلد و تيزمتر ركرديد كه يسمى ازمخرمين را بسرای عضدویت حبثت مؤسسة دعوت

الد ورود أقلى شيخ المراقين كم جندى قبال إراى ملاقات حجج اسلام بكرمانداهان رفته بودند يس از حركت آقايان از همدان ممزى اليه مراجعت بطهران لموده شب سه شنيه وادد میکر کردیداد

آقاى شيخ الالملام ملايرى لمساينده دورة ينبجم لقنبليه لبز وبز دو شنبه وارد مرکو شداد

كممبون رأه اهن دروزارت خارجه بأحضور سكار أنسكى تشكمبل ولايحانى كه قبلا الهبه آنای میرزا احد خان ک^یها اداره مرکزی مدماست تصوب ورابرتجامع بوبثت وزراء وزارت دأخلهبه عات غير معلومي أستمناى لقديم خراهند دآشت 🕫 خودرا به آقای ننهل وزارت داخله اقدیم

المتعا

كفرانس تشكيل ميشود

روز بكتانيه آينده جلسه كنف رانس عقد

قررار داد کمرکی آبران و روس در احت

رياست آقاى إنتظام الملك المكبل خواهدشد

تير اند_ازي تبر أيشو د

أز طرف وزارت ماليه المميم غدم است كا

امبر جدیدی برای طیدات جواز آیر اندازی

طبيع و الحويل خزائدـ دارى كل قشون

شامزاده نعرت السلطنة ووز دو شنسيه

وارد محسورين شده در ادار. حکومتی اقامت

همودند حکومت و رؤسای دوان دولق و

بهضی از محترمین و سوارم نظمام و صاحب

منصيان تظميه تأ أيم فرسخي ههر مظم له

سر کشی باملاك

شاه: إده عضد السلطان براي سر كثي

به علاقه جات خود به سلطان آباد عراق

خواهله وفت المجري يتبارك المجر المسم

کیته امتیازات

الموق الماده قبل أزظهر در وزارت فو الدعامة

تبعارت تتكيل كرديد املياز أسلخراج

نفط يكمي از ولايات شمال به محار ايراني

مطرح مذاكره كرديد جون نظر دكتر مهلسيز

دو ابن موضوع دخالت دارد مقرر كرديد

يس از مراجمه بايشان كمبعه عتبده طودرا

الية، اكر درست دقت كنيد امتياز

ودخواهد شد برای آبنکه الحصار انت بك

ولايت بجند المر دادن عالف منافع عموم

کسیون راه آهن

امروز حهاريمد ازظهر اخرين جلسه

ا ايراز لدايد المجاجعة المعالم المحا

روز تذعته كمبته امتيازات يطور

ارا أستقيال اموداد والمستقيات والمع

ورود

انجهن نظارت مرکزی دست

الدرت المي ك.د روزكددته قبل أزظهر إنجمن ظارت ركرى تشكرل فغط اقاى آبين لملك بواسطه اً. منه محمالت جامل المده بوداد بس از مذاكرات زياد در موضاع اراء لواسالات رار شد كه ستو لالى از اقاى حكم الملك أمور اخذ اراءً أواسانات يتماينه بس از حصول جواب أز أسترى البه قضبه را حل يرداخت مساعده

از طرف خزانه دار کل مقرر کردید ایه وجوه وارده را یتوض مسا عده که از بادك شاهي در يافت شده بير از د ال به حداب جباری بانک و دولت خبانمه داده STRIMU ST. يس از ختم عاسية اداره خزاله دارى كل از وزارت ماليه به بانك ايران انتقسال خواهد يافت و كايه داد و شقد دولق بعهده بالك ابران خواهد بود منتش ما لبه آقاى مبرؤا بالى تماينده ارزمنه فر موره جهارم المنبليه أز طرف وزارت ماليه ومعت منتشى وزارت ماليه منصوب كردبد

ميرزا مابوق خان يسمت فاغر كميسبون منتفارين خدمت منصوب شد الله لسأبل التخابات

از وزارت داخله متحد الدلا بمدوم مكام ايالات وولايات امر شدكاجريان انتخابات را تا روز هنتم ماه محرم ادا مه داده از هفتم محرم لمطول كناد لا روز جهاردهم ز روز چهار دهم مجده انتخابات راجریان دادم خالمة دهند طلوع مرض و با 🙀 بموجب رابرة كح از يتدر فاصرى وسيده يس از رفع مرض طاعون مرض كارا درعيادان بروز روزى بنج نفر الف مېنمود. ااخيرأ

مده المفات به روزی بالزقه المر رسب^رمطت رایت این مرض را پر اثر نرد دجهازات عمله جات كثيره أدار، الط جنوب أز خط رب به خشکی میدواند

از وزارت خارجه وايرت فوق به مجلس سنظالصحه دولق.مراجعه كرميد الم يرداخت حقوق المحمد

چون مدای است یك عده از کارد شهرىهمه روزه إدريار يرأى مطالبه حقوق مقبافتاده خودشان مبرو تدحمب الامررباست زراء مغام ملغ دم هزار تومان ازخزانه دارىكل باراره نظميه پرداخته شدكه حقرق عتب فتادء ألهارا ببردازاد چراتون آنتخاب نمی کند ?

وزارتداخله بحكومت خراسان للكراقا امر ندودند که بحکومت کون تاکید نمایند . امر المتخابات أنجساً وأ بفوريت شروع كينند حكومت خرأسان جوابآ الحلاع مبدهد که بحکومت طین دستوردادمشدکه شخصا به اون رفته شروع به التخابات امايند لتيجهرا . **پیرش فیرسالم :** محمود محمود مرد موجود جريان انتخابات

حکومت در جز پوزارت داخلهمینویسه اينكه يرحب ككرافاتعلماء تعليلاموص است وفوق العاده اسيابزحت استاللخابات بها هنتم عرم در جریان خواهد بود . یک مختلی کیر افتاد

وزارت داخله بجانش رسيد ميصر الدولة أأب الحكومة خرقان كه يه مرفى وزارت داخله از طرف وزارت فوايد طبه برياست معدن نبك منصوب شده بود بدون اجازه وزارت فوايد عامه معادل مه زار و ششماد ارمان نمك إستخراج وجه آن را أخلاس لموده أست وزارت فوأيد عامه مشار اليه را كوسط وزارت داخله أخضار الموده که سه هزار و شقصد اومان را ازاو استرداد لمايند معار اليه يس از ورود به مركز جندى را بساعه كذراليده متجدداً الدون اطلاع وزارت فوايد علمه أز طرف زارت داخله به محل ماموريت سابق خود مراجعت الموده احت

انتخابات عراق وا چه باید کرد? حكمران عراق إوزارت داخله وايرت میدهد که التخابات در زمان حکمران سابق دروع لنده ابن اوقات بأ تشريف فرمائي آقايان حجـنج اسلام واليام عاشورا مصادف شده است مرکاه امری فر ماثید در معد عاشور ا شروع و الا بعد أز مأشورا شروج شود تربت جا برای نظار ندارد

حکومت کریت پرزارت داخله می اوید . ه جون حدوث زازله عمام مساجد و الكايارا راب المودة فقط مدرسه حاجي إيين سالمو ای محل انجمن تفاار معین شده است و ر این مدوسة صبح و عصر روضه خوانی بيثود اعضاء اللجمن همجو سلاح مبداللد له انتخابات أز جهاردهم محرم شروع شود هيئت متفقه اطباى دييامه

قضيه مؤلمه و جانسوز اريت خيلت المله اطباى ديبلمه را وادار شودكم يقالون لميبعت براى مساعدت به بازمااركان خرابه الدين ترايت كه جشم هاى خودرا بسوى شنقت ارادران طهرالي اود باز كرده الد الداماني المالد المراجع المجامع المراجع المراجع برای پیدرفت ملسد : -

بالزده روز قبل آقابان فال مو منزل إقاى دكتراحباء الملك معوت هداد: أفايان دكتر احباه الدوله شيخ .کتر مرکضی خان کل سرخی ۔ دکتر عیصی خان ۔ دائر سيد خسن خان حکمت سندي دكترسيد إيوالقاسم خان شيخ الاسلام وككر ابوالقساسم خان وستكار - د تر يخبى خان سما ہے کے دکترسید اوسطو خان علاج ۔ دکتر بد أورالدين خان - دكتر حميد الأطياء -دكر دورافة خان - دكترا بوالقاسم خان كيا -محادر سبد عبدالخنان - داکر حمن عان زشك د كمرعمد حمين خان ٥ مكر سيد تصير الدين خان علاج 🚊 دکتر علی انتخابر خان قرحه داغی _ دکلروباحی _ دکلر خلعت بری-دند سبدرسا خان - دكترم كسى خان عملم يس ازحنور اكثريت مدموين ومذاكرات لازسه مقدماكي لصميهات لأزمه يطريق ذيل ۱۰ م وزسام هیئت متفقه اطیأه دیلمه شروع بهجم أورى اعاله براى لربت خوأهدشد

> سنكاسرات از عمليات أرس لوين كاليف : موريس ليلان ارجمه : عمدعلى - كا: تبان

مقلمه متوحم

که از خرایه های آنار سونعه کذشتسه بسمت آن در عَنى مُبْرَقْت دخلد شجاع مهلت قداده با الملك قراول وفته أو أوا شمان كرده لير خالي شد و آن شخص المتاد بروى زمين

یکی از او کرها فریاد زد خودش است خودش است و دوید بسمت یاغ ولی قبل از انکه این او کر پرسدربمنددیدکه شخس افتاده دو باره یاند شد دو سه قدم راه رفت و باز نجددا بزمين افقاد ربيند اوكر ديكر واحدا زده آفت : م بينيدش ازديك الاجباق کوی علف ها میخرد زود باش

أقرار آيند لأست واست كه درب ان خرابه حااست و 🖡 دقيقه ديكر او را كير خواهيم أورد

ا بسته است ان یکی نوکر هم سمت لجب کشیك او را جواب کفت : ۔ جرا ۰۰ جرا شما خبچ کار الداشته بَاشيد بك فشلك دَبِكُر من دارَم • المُمحضُ أينكه أَوْجابُس الكان بيغورد او را مين نم 👘 👘 و دخیر جوان نفتك را بر داشته از اطباق خود پسمت خرابه هانی که از أنجا در د اولی فسرار از خواهیم کرد 🖉 از از محمد به از از محمد به از از از از از از ا ارده بود رهسیار شد یکی از توکر ها فریاد کشید؟ : باد موازل رفت بشت الاجق من ديكر أ و^{لي}را اسي يبنم احتياط كنيد رَيْمَنَدُ إِلَّا نَعْنَكَ بِدَحْتَ أَوْ مَبِأَنْ خَرَابِكُ هُنَّا بدرن الكه ارسى داشته باشد كذنت و يكى از او آر ما که او را دید از انظرش محو شده دوید پنجاب لا چېټۍ که دیادا خطری متوجه او شود څون پفاصله آ مَنْ قَدْمُ أَزْ أَبْجَا رَسْهِدْ دَخَتَرَ زَا دَيْدَ كَهُ أَهْمَتُهُ يَسْنُ مهکردد و در خرابهرا قفل کرده و از آیسن جهست را، فرار را پر دود مسدود آموده بود جون یکی از المرتب المواكر المحاطر الجع باش تعلى الوائد 🔰 نوكر ها را ديد باو كفت : خاطر أجمع باش السا دم

می کند شما لازم نیست پروید ما د موازل آدیمند | و سدای تنك پیدار شده وارد عمارت شداد ولی دو انكبز بكی از دزدان و اكتشاف كلاه و خنج اورا شن وإمو الحراف أن قلمه إيدا كمي والالديدة البز متذكر شده يود المراف ال بودند كافرار تمايد بكي از نوكر ها كه أنجا أيستاده ر كفت ": بـ إلى وأضح است كه التوانسة، است فرار تماید اورا دریشت یکی از این میوارخسرایها پیدا الم ين ساحب قلمه و آريمند و دو افر او آس شروع كردند به كردش كردن زبر بونه ها و هشقه ها که پدرختان پنجبد. بود بشت دوارهاودرهاو بغل لتونها و اطراف محراب و دبکر جالی انداند که آذیر رو نگردند هیچ اثاری از دود بیدا نشد پنیر ا ز ل کلا، خِرمی مال شوقر ها که دو هاانجامی که ایر ر بهند به دف رسید. بو دانتا ده بود و پی

ار ساعت شش سبع ژاندار مری آن قدر به که این ممارت در آن واقع بود از ارضاع الحلاع حاسلكرده المكراة بأركه ودأبت بعنى بحكمه جنائي شهر(ديب) را محکه مجاور آن قریسه بود مخبر ساخت رئیس ا قریب ایست سال بود قد در، آلجا ساکن بود

ساحب قامه و برس از ابن هذا هوی شواله في واندار من معل در باد داشت خود اسارت فيسهيد الذربيا ساعت ده بود که أز لغيت لبه مشرف به قربه دو درشکه اوردار شداند که بسرعت وجانب قلسه می آمدند در درشکا جلوئی که خیلی بزرک و ازظام او ملوم بود که باید اشخباص وسی در آن اشعله باشددها المدوم شهر (دبب) وقاض لحقبق وبك منشى بود امر درشکه دومی دو امر جوان که مخبر روز نامه -روثن بودند بابك ورق كاغذيزرك براى بإ داشت الحيار قبل از أن كه مامورين عدليه داخل عمارت شوند خوب است از تاریخ آن سومه و وضع زندگای ساکنین آن قدری سعیت نیاثیم با می از ک

این صومه قدیمی که سابق مر آز کار کین دایا بود در زمان انقلاب کمیر فرااسه قسمتی از آن خراب شده و بعد کنت وسورس از او آلرا کمیر کرده و



يسمت مندى كرى كديته اجرائبه بين الملل درائيجه كثف أسنأد مزيورة مذاكرات متحد با كنريت شعت زاى در مقايل جهل كناب تعليمات موسيقي سيم اللخاب كرديد بمجرد آنكه از ووسيه زیادی مبشود و حالبه عقیده عموم بر آاست رأى مخالف قطعنامه اى وَدَين مضمون الصويب چاپ بُراین األیف این جالب علینقی خان وزیّری به تفاوت جلد و کاغذ به قیمت دولومان وارد خاله بلغار شد د سعکم کنت . علت که مخاطره پزرک که نمکن است پرای پانمار الموده استكه ازكونو بكلي سلب أعتماد شده و سه اومان دو الماط ذيل كالراب خالهاى - كاوه - آقاميرز؛ عمود دائى - بار نااوت او اقدام دولت حم أين يود كه مقار اليه در بروز كند از طرف اشتراكبون خواهدبوه و بأبد خصكومت جديدي در زوى اساس منازه های کانائی - مارتین ومطابع فاروس - بوسفور بفروش مهرسد مَسْكُو مَسْراً اظْهَارُ واشته يود كه لأز مست 4 از جال اله راد حزب روست البسان . التلاف تشكيل كردد تمره اعلان ۱۳۹ مه م دولت خم امر داده است که در کابه مراکز در بلغار شبنت دولتی مرکب از کار کران و قطعنامه بصوبه اقليت اسرأر دارد كه فورأ ازحكومت اظهار عدم إعتماديسل آيد روستانيان اشكيل شود الم اشترا بهون المتبشات عميقه بسمل آيد ۱۲ آنکه معلوم شود آلهال چه درجه دامنه قطعنامه اخبر متضعن القاضمائمي است مقصود از اوطئه (يلونا) هم أين يوده اوطئه خود را بسط و توسعه داده اند . که حکومتی موافق،قاسه، منقشره (کولارف) که قوای راجیران متحد کردد کار سوسیال جديم مماريف افراطهون آيز جدأ احتاشار دموكراكها بتوالند مديريت ميارزه احتدسالى کاسیس شود 🖓 🏌 🖓 د در از د پلیس قرار کرفته و شب کذشته هم (کو القلابي رأ دردست الكاهدارند المز ۲ ژویه ۱۹۲۴ لاوف)مهمترين عنصر اشتراکی بلغار که اخیراً (ب،م) بران _ جریده (اکو دو باریس)اشعبار دايد كم خوج ف بى خطى مبدارد که مسبو (اشترس من) صدراعظم جراغ يرق جديد آلمانسنيز كيبر يه باريس وبروكسل یا شیر خشك (نستاه) ز

اطفال خود كالرا كه از بي شيرى وبالميشير بكلي بي بنية و ضبف كرديده الد اند بواسطه بهترین و متوی ترین شیر خشك (تستله) كه انتحال رسید. واز طغولیت استيخوانهاي طفل را بين منز و قوى مينمايد لفذيه تحوده از قربيني و صحت مزاج آنها مخلوظ آردید در دواخاله ها و بعضی منازه های مهم مخصوصاً دوا خانه مدرن خبا بان لاصرية يغروش ميرسد 🌾 • - ' المرة اعلان ١٤٠ ٢٠ ٢٠

اخطار حب ترك تريك معادمان به ارباك را بدارت . مدكى أست حيى قرابب داد، براى ترك تريك كم يدون هيچ تشيرات مزاجى و اذیت های خماری در مدت قلبلی معتادین را از این بلای تیرم آجات مید هد و در ممرض امتسالات عديده اغلب از اقايان دكتر هاى دوجه اول كذارهم شده طالبين يدوا خانه باستور خيابان جراغ يرق رجوم نمايند

ا ما ملد**ان**یل ? آمیول کمت جدی مطارسان پنیر مدالجه عوارض سقلیس صد ها اشطا ص وا از مرض کی و لویه مای کاژه و کمنه تجات داده

اد ا منا ا ذمال ? استعمال جد دانه آمیول ، طار سان رقع جوش های سورت و بدن و کچلی را مېنمايد ... يس كسانى كه بإمراض فوق مېتلا ودائماً دو چاريد ازامتسال آميول مطارسان A & New Gale خود داری و غلات انیائید ۵ ندره اعلان ۱۳۲ 👘 درمانه ا

راجع بع حب ترك يلك از قرار مسموع بعضي از مطادين كه مايل استعمال ابن حب هستند بواسط.» بوشتن اسم در دفتر امتناع دارند به تصورابنکه شاید اسمشاق در جرائد درج شود جو ن

توشتن اسم فقط برأى دالستن الربيخ شروع خوردن حب است از أبن به بسَّمد أوشَّن

اسم را دوا خانه موقوف ميدارد.

تمر. اعلان • ٢٢

دواخاته شامى

ノ・塩イミ

اقايان سالا فخور آیا هیچ دقت فرنوده اید که روغن زیتون تازه وا صل – و روغن زیتون

كهنه فأحد مخلوط دار در وجود مخصوصا در مدده جه اثراكي خواهد يعشيد أ 3 يس يلك بماری از روغن زیتون های آنزه به بار اعلام که نازه کی از رشت برای دوا خانه باستور رسیده و بقیمت خلیلی مناسب بذروش میرسد خربداری ارمائید تا اثرات آلرا در وجود خود ملاحظه تموده أنحسين لمسائيد - عمل فروش أ دوا خساله يساستور - خيابان

امر. اعلان ۲۱۲

ال مالتين

بهترين غذاها و نافع كرين دواها است ا يرم فردى لازم و واجب است كه يراى حيات و زندكالى يدن خود راقوى دادهه خصوصا أشخاسيكم داراى استعداد مزاج كمبى و ارثى براى أخذ هم كوله أمراض حاره و مزمنه مبیاشند - اشخاص آلمیك (كم خونی) ـ محدوات می از وضع حل -زلأن شيرده _ اطغال ضعف وغيره وغيره .

لازم است که عوم در سدد بر آمده بوسیله دوای جربی بدن دار غوی، د اشکه و کاربولهای قرار خون که اشکر بدن عسوب می شوند بوسیه آن دوا اشافه شده کا بدن در مقابل میکرویهای خارجی که عبارت از دشمن بدن است مقاومت اموده مسون باند از ابترو باسدای رسا بعارت میدهد .

ومالتين داراي اركبيات طييمي آست سه دسته يزرك مواد غذائي كه براي. حبات السالى لازم أست در بر دارد - القبسين را بواسطه آ كار مشمع خود فسربه ميلمسايد خوالیتی که پس از وضع حدل دجار بی خولی و پریده رتك میگردند بواسطه استعیل اومالیتن خود بدن آنها زیاد کشته سرخ رو کونه ماکلی رفك صورت بداش وفریه مهفوند اومالتین شیر زنان شیرده را زیاد میکرداند ودرشیر اثرائی پختید. مسکه اطنال را قوی مبتمايد يحصوص موقع رشد وتمو اطفال استعيال او مالتين استخوان آنها والمحكم مبكر دالد يراي المخاص عسل مخسوساً آلها أبكم يسطالمه كعب و المثأه مقالات معقولند وإحاب عنى ودوحي 7 لهسة زياد است. استعمال أولاين يسهلو لازم است المواد فستورى 6 دماخ يسرف ميرساند إدل ما يتحلل الموده و قوه حافظه وا لكه دارى لمايد ، إداى الميسات ابن مدما واثرات سجر نهاى ابن دور از اشخاصيكه اومالين را استسال تموده تحقيق 7 اثرات آن مكدوف كردة - حال تشار به المابج اليكوني كه ابن دوا در المام ارديا ظهام ساخه و قيسلا هم در ايران عمل توجه پود، دوا خاله يسعور وارد لدوده و بهم وطنان خود مزده میدهد حسکه برای خفظ قوای دمانی روحی بدن و مصون بودن از بخی امراض استعمال اومالتين يسبار لأزم و منيد غواهـد يود

عل فروش - دوأ خاله باسلور خيابان جراغ برق - ظهران اتایانی که از شهر ما مایل تمایندی باشند برای قروش اومانتین خود رایدوهاند مدرقى تدوده كا قرار داد معصوصي داده شرد . اعلان ۱۳۹

بورس

فرائك

720 -

17-14

شارة 110

◆ - 1、《風》 (1)

فروش طهنران باريس ا قران قران الدن لندن مكتوبي ٩٠ ـ ٢٤ ﴿ ٢٤ ــ ٤٩ ــ 18-1-1-نيو بورك 11 - 00 27 -، كلكرافي .. JUT - Ye •1 -باريس باز بك A1 _1. اسبالی 141-سويس : V1 _ 10 WIL.I 1. - 40 1-40 ايويورك TYO -VO 41. -سويس رو به بنين

شركت مطبعة مدرن

حبر مهم به.وم آ قایان دوا فروشان مرکز و ولایات اء۔الام می شود که نج۔ارت خاله عدد اقد بد زاده نداشده كار خانه هأى دوا سازى فرانسة در ايران از اين تاريخ به يعد خود وا برای المجام من توغ فرمایشات حاضر شوده و بواسطه دارا بودن وسایل بزرك و مخسص در ان شبه باتى دواجات المره اول وارد و بقيمت بدبار الزل بغروش ميرسالد سفارش أز تمام ولايات قبول و يدون حق السي فورا أوسال مُبدارد أصمال خاطر أقايان المحار عمده فروش را مستحضر ميسازد كه اين المحار اخانه سفارشات مستقيم يه كار خانه هاى قدانسة تبز قبول مى تمايد ، عنوان مراسلات : طهران عبد أقد بير زارم ، أدرس المحرافي : ظهران سأحب اللغن : بازار امر. ٣٧ - عبد الله ببر زاده ، المرم أعلان ١٢٢

اشتراكيون تحلى وافراطيون خزب روسقائبان کا.لا مسلح یوده و استقادت بسیار شدیدی به منصه ظهور رساندند . از قراری هـم که شهرت دارد دولت روسیه مایل و مشتاق يوده إست که (استامبولېنمکی) در پلغار حکم (کرنسکی) را در روسیه يبدا كند و يس أز أمقوط وم يكنفر از قائدين روسيه جا اشين وى كشته زمامامور را در دست کمرد . (زیاد و بیف) در مكتوبي كه اخيرا بكميله مركدرى حدرب إشتراكى بالغار توشته اوضاع سياسى أن مملكمت را در تحت نظر كذرأند. و پعد اشتراكيون را توپیخ و ملامت میکند که چرا درناریخ نهم ژوڻن وقلي که از طرفمتمولين کودا بممل آمدأاها ببش از اين مقاومت بخرج الداداسة ،

Co of this

خواهد قرستاد (ب ۰ پ)

حيرائد اعلام مبداراد بواسطه بي نظمى

که اخیرا در (هانور) ایجاد شدهٔ بودسی

یاریس جریده (یق باریزین) اشمار

میدارد که بادداشت انکلیس عوش انکه طور

مثبت راه حلىبراى ناديه غرامات تشان دهد

فتط اقطه اتمار الكاستان وا كثر بع كرده

و در پشی از قسمت ا انتقادات سخق از

يادداشت هاي فرالسه و بازيلك امودهاست .

مطبوعات حارجه

المتراكبون دريانار

﴿ بِلُونا ﴾ استاءى راجع بقوطته اشتراكيون

بهلناري والمراطبون حزب روستانيان ابشركت

ولدويكهاى ووسى براى وازكون ساختن

دولت جديد بلنار وناسبس حكومت جهورى

بدین فکر مادرت ورزید. جند ماه قبل در

خال أجراء نبت خود بود. لكن هما أوقت

بيش بينى مبكرده اند كه واقعه مهمى روى

خواهد داد و قدون یا اهالی مقدونیه نزاد

یر طلبه جکو مت (استامیولینسکی) قیسام

👘 🚽 از این اکتشاف معلوم و مبر هن

م شود که چرا بس از کودکا چنان جنگ سختی

در تاحیه (پلوتا) پوتوع پېوست کلېه

طواهند كرد

بي يموجب اسلاد من يودة اشتقاسي كه

بدست آورده اند . . .

ا شولیه ۲۰۰ ژوئن 🛶 زمانداران عل

از جرابد انکلیس

و دو اش مقلول شده اند(ب.پ)